

عیسی مسیح و عدم خشونت

Drs. Gijs van den Brink 2016

منتشر شده در مجله Study Bible magazine 13.3

در زمان کنونی اغلب از اسلامیت جامعه می شنویم. همچنین جریانات دیگر در مورد ظهور اسلام، که در آن خشونت نقش عمده ای ایفا می کند. این نگرش در رسانه ها و همچنین در درک بسیاری از مردم اتفاق می افتد. اما این یک نتیجه گیری عجولانه است، بدتر از آن هنگامیست که در اسلام، دو مذهب دیگر یعنی یهودیت و مسیحیت نیز ذکر شده و خشونت، بدان ها نیز ارتباط داده شده است. با توجه به این دیدگاه، مذهب به معنای جنگ است. در حالی که این با واقعیت ها متفاوت است. اما عیسی مسیح در مورد سرچشمه و قلب مسیحیت چه می گوید؟

پیشگویی اشعیا در مورد مسیح:

درباره عدم خشونت در قرن هشتم قبل از میلاد توسط اشعیا پیامبر، زمانی که پیشگوییهای خود را در مورد مسیح، "خادم خداوند" (اشعیا ۴۰ تا ۵۵) اعلام نمود اشاره شده است. او فریاد نخواهد زد و آوای خویش بلند نخواهد کرد و صدای خود را در کوچه ها نخواهد شنواید (اشعیا باب ۴۲ آیه ۲). اما به یقین حق من با خداوند است و پاداش من با خدای من (اشعیا باب ۴۹ آیه ۴). پشتم را برای آنهایی که مرا با شلاق میزدند برهنه نمودم و وقتی به من ناسزا می گفتند ریش هایم را می کنند و به من آب دهان می انداختند اعتراضی نکردم (اشعیا باب ۵۰ آیه ۶). و در ادامه آیاتی از اشعیا ۵۳: با او با خشونت رفتار شد اما او با فروتنی آن را تحمل کرد مانند بره ای که به کشتارگاه می برند و مانند گوسفندی که در حال پشم چینی ساکت است او دهان خود را نگشود (اشعیا باب ۵۳ آیه ۷).

اشعیا از مسیحی سخن می گوید که مورد ضرب و شتم و بدرفتاری قرار گرفته است، اما با این وجود مقاومت نمی کند، و کاملاً از خشونت مبری است. او تنها در انتظار خداست و به این ترتیب نجات را برای اسرائیل و ملل دیگر به ارمغان می آورد (اشعیا باب ۴۲ آیات ۴ و ۶ و باب ۴۹ آیات ۶ و ۸).

عیسی و تعمید او:

خدمت عمومی عیسی با غسل تعمید او آغاز می شود. هنگامی که او از آب بیرون می آید، روح همانند یک کبوتر بر او نزول میکند. و صدایی از آسمان می گوید: "این است پسر عزیز من که از او شنوادم" (متی باب ۳ آیه ۱۷ / مرقس باب ۱ آیه ۱۱ / لوقا باب ۳ آیه ۲۲). این صدا با کلمات تایید می کند که قرار گیری روح بر عیسی چه معنایی دارد. کلمات یادآور مزمو ۲ هستند. (آیه ۷: این پسر من است) و در اشعیا ۴۲ آیه ۱: این است بنده من که به او قدرت می بخشم کسی که من او

را برگزیده ام و از او خشنود هستم او را از روح خود پر کرده ام "به معنای اعلام پدر که عیسی تنها پسر او است و او وظیفه مسیحیایی و خدمت خود را تحقق می بخشد. در غسل تعمید، عیسی از روح خدا پر می شود. (این به معنای، نمادی از قوت یافتن برای شروع خدمت است). او درخواست خدا را برای تحقق وعده خدا دریافت و برای رسیدن به رستگاری وعده داده شده ، خدمت خود را آغاز می کند. او به روح القدس برای این مهم مجهز است. از لحظه تعمید عیسی می داند که برای تحقق وعده خدا که اشعیا او را بنده خدا نامیده و نوید آن را داده است آن را به انجام می رساند (اشعیا باب ۴۲، ۴۹، ۵۰، ۵۳).

موعظه سر کوه پیامی برای پیروان مسیح:

در موعظه سر کوه به روشنی مشخص است که عیسی مسیح در مورد «بنده خداوند» موعظه می کند. او همه را به عدم خشونت فرا می خواند و این دقیقاً همان چیزی است که اشعیا نبی به عنوان «بنده یا خدمتگزار» آن را پیشگویی کرده بود.

مهم است که توجه داشته باشید که روی سخن او با کیست. او در موعظه خود بر سر کوه با عنوان موعظه سر کوه با همه انسان ها سخن نمی گوید همچنان که روی سخن او با دولت ها نیز نمی باشد همانطور که دولت ها نمی توانند همه نیازهای افراد و انسانها را جامه عمل بپوشاند، همانند آن که دولت ها نمی توانند گونه دیگر خود را بر روی کسی که دست خشونت می زند بگردانند (رومیان باب ۱۳ آیه ۴).

در متی باب ۵ آیات ۱ و ۲ مشخص است که روی سخن عیسی با کیست. "با دیدن جمعیت، او بر سر کوه رفت و در آنجا نشست و شاگردانش به نزد او آمدند و او با آنان به صحبت پرداخت: شاگردانش به نزد او آمدند و او شروع به تعلیم آنان فرمود (متی باب ۵ آیه ۳ و باب ۷ آیه ۲۷). در درجه اول به شاگردان خود (آیه ۲: آنان) به کسانی که او را ملحق شده بودند. در حالی که مردم در همان نزدیکی در حال گوش کردن بودند (متی باب ۷ آیه ۲۸). موعظه سر کوه حاوی یک قاعده کلی و یا اخلاقی نیست. کلمات عیسی مسیح فراخوانی است به پیروانش به عنوان قوم جدید خدا. این شیوه زندگی است که متعلق به پادشاهی خدا است. و این شیوه زندگی مثالی و نشانه ایست از صلحی که خدا می خواهد آن را به جهان عطا فرماید (متی باب ۵ آیه ۱۶).

گونه دیگر را نیز برگردان:

حال ببینیم عیسی مسیح در این مورد به ما چه می گوید: شنیده اید که گفته شده چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان اما من به شما می گویم به کسی که به تو بدی می کند، بدی نکن و اگر کسی بر گونه راست تو سیلی می زند گونه دیگر خود را به طرف او بگردان (متی باب ۵ آیه ۳۸ تا ۴۰) این آیات نشان می دهد که گناهی متوجه شاگردان مسیح نیست، بلکه برگرداندن گونه دیگر به معنای انصراف از مجازات است (امثال باب ۲۰ آیه ۲۲ و باب ۲۴ آیه ۲۹) و در پی جبران و یا مجازات

کسی بر نیایم همان طور که عیسی مسیح در این راه پیشگام بود (متی باب ۲۶ آیات ۶۷ تا ۶۸ و با ۲۷ آیه ۳۰ و اول پطرس باب ۲ آیه ۲۳).

مطلب مهمی که ضروری است در اینجا بدان اشاره شود آنکه سیلی زدن در فرهنگ یهودیان و در حال حاضر در شرق یک تحقیر بزرگ شمرده می شود و عنوان یک خشونت فیزیکی در نظر گرفته می شود، این تحقیر در یک ارتباط نابرابر امکان وقوع دارد. مثلا اربابان برای تحقیر بردگان از این روش استفاده می کردند. عیسی از پیروانش خواسته است تا از خشونت متقابل در مورد چنین تحقیرهایی خشونت آمیز پرهیز کنند و خشونت را با خشونت پاسخ ندهند. او شیوه و نگرش متفاوتی را در برخورد با دیگران ارائه میدهد تا از خشونت و بدی جلوگیری شود. باید به این نکته اشاره کرد که این موارد اشاره شده به معنی تایید وضعیت نابسامان و یا خشونت نمی باشد چرا که این موارد همگی برخلاف پادشاهی خدا هستند که مملو از محبت، صلح و راستی است. دوری جستن و یا پرهیز از خشونت، قدرت صاحب قدرت را متزلزل می کند و باعث می شود قدرت تحقیر آمیز او دیگر کارایی نداشته باشد پس دوری جستن از خشونت نشانی از عدم قدرت یا ضعف نمی باشد بلکه عملی است محبت آمیز در نظر خدا و پادشاهی او.

همسایه ات را مانند خود دوست بدار:

هنگامی که عیسی کل شریعت و پیامبران را خلاصه می کند، او می گوید: "خداوند خدایت را با تمام دل و با تمام جان و با تمام عقل خود دوست بدار. این اولین و بزرگترین حکم شریعت است. دومین حکمی که به همان اندازه مهم است، شبیه اولی است، یعنی همسایه ات را مانند جان خود دوست بدار" (متی باب ۲۲ آیات ۳۷ تا ۳۹)

دوست داشتن همسایه همانند خود. این جمله اغلب اشتباه گرفته می شود. امروزه می شنوید که شما هنگامی می توانید فرد دیگری را دوست داشته باشید که بتوانید اول خود را دوست داشته باشید. این موضوع توسط روانشناسان مسیحی و روانپزشکان نیز بیان می شود. این موضوع از اهمیت فراوانی برخوردار است اما هنگامی که با دقت به آن می پردازیم می توانیم نتیجه بگیریم که شاید برداشت ما متفاوت از آن چیزی باشد که بدان اشاره شد چرا که انجیل درباره پذیرفتن خود نیست، بلکه درباره توبه است. همچنین درباره مصالحه کردن با خود صحبت نمی کند، بلکه درباره مصالحه با خدا و همسایه است.

در کتاب مقدس کلمه "تو" به آن معنایی که امروزه به طور انحصاری می باشد نیست. به عنوان مثال هنگامی که خدا ابراهیم را فرا می خواند. خدا در پیدایش باب ۱۲ آیه ۲ می فرماید: من به تو قومی کثیر خواهم داد و آنان ملتی بزرگ خواهند شد. من تو را برکت خواهم داد و نام تو مشهور و معروف خواهد شد.

اما منظور از تو در اینجا کیست؟ بله در مورد ابراهیم، اما نه تنها در مورد او، بلکه در مورد همسرش سارا و عموزاده اش لوط و تمام خانواده هایی که از هاران به کنعان با او رفتند. این پس زمینه فرهنگی و مفهوم "تو" در عهد قدیم است. کلمه "تو" در مورد خویشاوندان و به ویژه اعضای فامیل یا خانواده نیز به کار رفته است.

فرمان همسایه ات را مثل جان خود دوست بدار در لایوان باب ۱۹ آیات ۱۸ و ۳۴ بدان معناست که شما باید تمام کمک و دلسوزی را که به اعضای خانواده تان اعطا می کنید به دیگران هم بدهید حتی

به بیگانگان و آنهایی که نمی شناسید. البته واضح است که آنچه که امروز در این مورد گفته می شود بسیار با آنچه که در اینجا بدان اشاره شد فاصله دارد. در حقیقت عیسی مسیح فرمان همسایه ات را محبت نما که در لاویان باب ۱۹ آمده است مانند فرمان اول که خدای خود را دوست بدار و محبت نما مهم شمرده است.

دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که شما را آزار می دهند دعا کنید:

اما به شما که سخنان مرا می شنوید می گویم به دشمنان خود محبت نمایید به آنان که از شما متنفرند نیکی کنید برای آنانی که به شما دشنام می دهند دعای خیر کنید برای آنانی که با شما بدرفتاری می کنند دعا کنید (لوقا باب ۶ آیات ۲۷ تا ۲۸).

عیسی در اینجا به اختصار آیه ای از لاویان باب ۱۹ آیه ۱۸ نقل می کند، این آیه همچنین نشان می دهد که منظور عیسی از دشمنان چیست. آنان فقط دشمنان و مخالفان شخصی ما نیستند بلکه ممکن است کسانی باشند که با خدا و با راه و روش و مسلک او نیز مخالفت و دشمنی داشته باشند و با دیگران با خشونت رفتار می کنند، یعنی مخالفان و دشمنان خداوند. اما عیسی ما را فرا می خواند که همسایه خود را دوست داشته باشیم و او را محبت نماییم. اگر همسایه ما با ما روابط خصمانه داشته باشد، به عنوان مثال اگر ما را ترعیب یا تهدید یا ناسزا می دهد، ما می بایست با او با محبت و عشق رفتار نماییم. وقتی این طور رفتار می نماییم در واقع شخصیت دیگری را در مقابل رفتار او از خود نشان می دهیم مثلاً هنگامی که به کسی عشق می ورزیم معمولاً یک محبت طبیعی است که در قلب ما به وجود می آید در حالی که در محبت به دشمنان عملکرد نقش مهم تری را بازی میکند همانطور که عیسی می گوید برای دشمنان خود دعا کنید و برای آنان طلب برکت نمایید. وقتی به این شیوه با دشمنان خود رفتار نماییم و برای آنان طلب برکت می نماییم اعلام می داریم که ما آنها را بخشیده ایم و این آشکارا محبت ما را به دشمنانمان نشان میدهد.

اما بدی را با بدی جواب دادن در واقع همان کاری است که شیطان انجام میدهد، همچنین خوبی را با خوبی و بدی را با بدی کاری است که انسان انجام می دهد. اما بدی را با خوبی جواب دادن چیزی است که مد نظر خدا می باشد و راه اوست و ما مسیحیان می بایست آن را به اجرا درآوریم. ما داوری را به خدا میسپاریم و او در آینده، بر اساس آنچه آدمی بر روی زمین انجام داده، قضاوت خواهد کرد و قضاوت او عادلانه خواهد بود.